

آینه‌های روبه‌رو

منتظر اکران فیلم «گزارش یک جشن» هستم



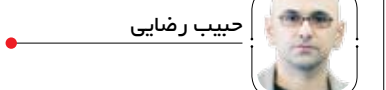
■ «براهیم حاتمی کیا» در یادداشتی اختصاصی به ایسنا، از رسانه‌ای شدن خرید فیلم «گزارش یک جشن» متجب خود را اعلام کرده است و سخن گفتن از این فیلم در شرایط کنونی را ماندن «سکستن روزه» می‌داند. وی در این یادداشت چنین نوشته است: «این روزها اندیشیدن و نوشتن جز برای «چمران» برای من حکم سکستن روزه را دارد، ولی رسانه‌ای شدن خرید فیلم «گزارش یک جشن» مجبورم کرد تا برای خروج از شبهه، تن به این خروج از دایره چمران دهم. منم ندام رسانه‌ای شدن این کار خیر، جمع سودی دارد که برادر خیرخواهم آقای شمعقنری اقدام به آن کرد. امیدوارم ایشان روزی خبر اکران «گزارش یک جشن» را رسانه‌ای کند تا اصحاب فرهنگ از شنیدنش کالم شیرین کنند.»کارگردان «گزارش یک جشن» در ادامه آورده است: «من تهیه‌کننده «گزارش یک جشن» نیستم. شرایط ساخت فیلم نیز مثل دوران «به رنگ ارغوان» نیست که تهیه‌کننده استطاعت و استقامت لازم برای نگهداری فیلم را داشته باشد. پس نه دفتر «حک فیلم» جایگاه کمیایی فیلمسازی دارد و نه این مالکیت صوری که اکثریت سهم آن از وام و قرض‌های دولتی است معنی مالکیت واقعی دارد. از این نگاه اقدام ارشاد طبیعی می‌دانم و از آن استقبال می‌کنم.»وی به تگرت‌ای که این روزوها در جمع سینمای‌ها پیش آمده به طور گذرا و از منظر یک فیلمساز که برای ارشاد اثری را تهیه می‌کند، می‌نویسد: «بعضی نگران شده‌اند که این خرید ارشاد به این معنی است که دیگر منبعی برای حذف صحنه‌های فیلم وجود ندارد. پس منتظر دیدن فیلمی قطعه‌قطعه خواهند بود. من چنین تصویری را هیچ‌وقت نداشته و ندارم. چه اینکه هم اکنون فیلم «ج» با تهیه‌کنندگی ارشاد ساخته می‌شود و من چنین حسی برای مالکیت ارشاد ندارم. از فیلم «گزارش یک جشن» آنچه باید به صورت توافقی حذف می‌شد با پیشنهاد معاونت سینمایی ارشاد اتفاق افتاد و حرکت بعدی مربوط به ارشاد است که پروانه نمایش را صادر کرد و من چشم به پرده سینما دوخته‌ام تا این فیلم را با مردم تماشا کنم. نباید عادت کنیم، ولی یادمان باشد که فیلم «به رنگ ارغوان» تا کجا رفت و چگونه عید امسال از شبکه ملی کشورمان پخش شد. «گزارش یک جشن» نیز همچون «به رنگ ارغوان» نگاه دلسوز و مصلحانه سرزایی است که این کشور را پاره تن خویش می‌داند. درد و آلامش را با همه وجود درک می‌کند و برای عزتش، با جان و آبرویش خواهد ایستاد.» اکنون سازمان سینمایی مالک تمامی حقوق این فیلم است اما در عین حال توافق شده که فیلم با انجام اصلاحاتی که اداره نظارت و ارزشیابی اعلام کرده، در زمان مقتضی روی پرده برود. اما این موضوع باعث نگرانی‌هایی شده است. مهدی کریمی تهیه‌کننده فیلم سینمایی «پاداش» به کارگردانی کمال تبریزی درباره سرانجام این فیلم به مهر گفته است: «برادات وارد بر این فیلم بیشتر سلیقه‌ای است و به همین دلیل شرایط فروش فیلم به دولت را نمی‌پذیریم. ما هم فیلم «پاداش» را خارج از ضوابط و شرایط سینمای ایران تولید نکردیم که بخوایم ایرادات و انتقادات وارد بر آن را چشم‌پوش بپذیریم. اظهار نظرهایی که درباره فیلم می‌شود و ایراداتی که بر آن وارد کرده‌اند به جای اینکه محتوایی باشند، بیشتر سلیقه‌ای است.»وی تاکید کرد: «ما تا امروز درباره وضعیت نمایش این فیلم صبر کردیم و باز هم صبر می‌کنیم. در عین اینکه معتقدم بعضی از این قبیل طرح‌ها و بحث‌نامه‌ها اگر چه عمومی بیان می‌شوند اما خصوصی اجرا می‌شوند.» فیلم سینمایی «پاداش» به کارگردانی کمال تبریزی قرار بود در سال ۸۷ و ۸۸ هم در جشنواره فیلم فجر روی پرده برود اما این اتفاق نیفتاد و از آن سال تا امروز فیلم جزو مهم‌ترین آثار توقیفی سینمای ایران محسوب می‌شود. حتی جواد شمقدری در گفت‌وگوش با شرق این فیلم را مالک یک فیلم توقیفی دانست.

دور دنیا

■ ایسنا: بخش «روزهای ونیز» جشنواره فیلم ونیز با اکران انیمیشن «پینوکیو» به کارگردانی «نزو دالو» آغاز خواهد شد. «جورجیو گاستی» رییس این بخش اعلام کرد: شروع کار با یک انیمیشن ایتالیایی که بهترین نماینده رمان «کلودی» است، زیباترین راه برای ادای احترام به هنرمندان و القای تخیل به بخش جوان، جسور و سرگرم‌کننده است. بیش از سه‌هزار هنرمند با همکاری فوق‌العاده در ساخت این انیمیشن همکاری داشته‌اند.

سخن مسلول

بزرگداشت بیش از ۸۰ نفر و تربیت ۱۰ میلیون حافظ قرآن
■ ارشاد: با اعتباری بالغ بر ۲۸ میلیارد ریال، مراسم بزرگداشت بیش از ۸۰ عالم، مفاخر و مشاهیر کشور در سال جاری توسط معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد برگزار می‌شود. همین‌طور قائم مقام وزیر ارشاد در امور قرآنی و رییس هیئت‌امین نمایندگان بین‌المللی قرآن کریم از برنامه‌ریزی این وزارت‌خانه برای محقق کردن دغدغه مقام معظم رهبری در تربیت ۱۰ میلیون حافظ قرآن در کشور خبر داد.



حبیب رضایی

مجموعه داستان‌های «هنک سنگ گاوچران» که نمایش «مترسگ» اقتباسی از آن است، یکی از بهترین داستان‌هایی است که در سال‌های اخیر منتشر شده. هوشمندی نویسنده این اثر در انتخاب شخصیت‌ها، تخیل سیال، نوع پرداخت شخصیت‌های داستان، قصه پردازی و فضاهای داستان همگی به گونه‌ای هستند که می‌توانند نوجوان‌ها را احساسی درگیر کنند. یک آثار بیست کودکانه در جای‌جای این داستان‌ها موج می‌زند که لحظات پرویز براتی: عصر صفویه دوره درخشان هنرها در ایران است. بی‌جهت نیست که موزه‌های معتبر دنیا؛ از پاریس و لندن گرفته تا نیویورک و واشنگتن هرازگاهی با برپایی نمایشگاه و چاپ کتاب‌ها و کاتالوگ‌های نفیس اهمیت این دوره از هنر ایران را مورد تاکید قرار می‌دهند. آخرین نمایشگاه بزرگ و معتبر در این زمینه را موزه «پولدی پزولی» (Poldi Pezzoli) واقع در شهر میلان برپا کرده است؛ نمایشگاهی با عنوان «در جست و جوی بهشت: هنرهای درباری ایران» که هنر صفوی را در قرن ۱۶ میلادی به تصویر می‌کشد. ویژگی این نمایشگاه نگاه تخصصی و جزئی‌نگرانه مسوولان موزه است؛ چرا که تنها یک دوره ۷۵ ساله از هنر صفوی را در معرض دید علاقه‌مندان هنر ایران قرار داده‌اند. این فاصله زمانی، از روی کار آمدن شاه اسماعیل تا مرگ شاه تهماسب در برمی‌گردد. در این نمایشگاه آثار هنری بدیعی متعلق به اوایل دوران صفویه (۹۵۵- ۸۸۰ هجری) که از بیش از ۳۰ کلکسیون خصوصی و عمومی جمع‌آوری شده، به نمایش گذاشته شده است. ترتیب تاریخی نمایشگاه شامل دوره فرمانروایی شاه اسماعیل (۹۰۳- ۸۸۰) و شاه تهماسب (۹۵۵-۱۰۲۳) است.

نمایشگاه منور در بردارنده آثار هنری متنوعی است؛

پیشنهاد «ابتکار» به کنایفروشان

ایلنا: ابتکار درباره افزایش قیمت کافزد و کتاب و نحوه اعتراض ناشران و کنایفروشان گفت: «ما از نمایندگان ناشران و کنایفروشان و همچنین روزنامه‌ها دعوت می‌کنیم تا مشکلات خود را به شورای شیر انکسل دهند و در حد توانایی‌های خود برای کمک به این صنوف اقدام می‌کنیم. تا بتوانند به سلامت از این بحران فعلی عبور کنند».

■ **فیلمنامه نسبت به قصه چه تغییراتی کرد؟**
پلات داستان حبیب احمدزاده همین است که توی فیلم هم بود. داستان این است که ۲۹ که اسبیر چشمپوست و دست‌پسته را تحویل یک نوجوان می‌دهند تا آنها را از آبادان به ماهشهر برسد. قرار است او برود یک خیابان بالاتر به دژبانی و آنجا برای حفاظت از اسیرها و جوانک مامور در اختیارش بگذارد. او هم فقط تحویل می‌گردد و تحویل می‌دهد. توی دژبانی می‌گویند مامور نداریم. نوجوان آبادانی هم کسر شأن خودش می‌داند که بر گردد و بگوید مامور نداشتند. تصمیم می‌گیرد خودش به تنهایی اسیرها را برید. راننده اتوبوس هم پیرمردی زهوار در رفته است. جوانک از ترس اینکه اسیرها بفهمند او تنهاست با راننده اتوبوس تبانی می‌کند که حرف نزنند و سکوت کنند تا اسیرها متوجه نشوند که فقط یک جوانک آنها را می‌یابد. بعد اتوبوس پنجر می‌شود و مجبور می‌شوند از یک کماندوی قلدر عراقی استفاده کنند برای تعویض چرخ پنجرشده. حین پنجر گیری چشمپند کوبی می‌افتد و جوانک که می‌بیند او همه چیز را دیده است از ترسش کماندو را می‌گذارد توی صندوق بغل اتوبوس که به دیگران لو ندهد. اما وقتی به مقصد می‌رسند و جوانک اسیرها را تحویل می‌دهد این حس در او و در خواننده ایجاد می‌شود که در واقع او اسیر آن ۲۹ نفر بوده و حالا که تحویل‌شان داده خلاص شده، رها شده. در واقع اسم داستان؛ «سی و نه و یک اسیر» هم اشاره به همین موضوع دارد. ۲۹ اسیر دشمن هستند و یک اسیر خودی که ظلم‌ار اسیر نیست، ولی در واقع اسیر اسیرهای خودش است. البته این نتیجه‌گیری دیگر در فیلم نیست. چون داستان گسترش پیدا کرده، شخصیت‌های تازه اضافه‌شده و حوادث زیادی اتفاق می‌افتد و قصه به مسیری دیگر می‌رود. با همه این تغییرات روح فیلم هم روح داستان‌های حبیب است. همین که در جنگ هر دو طرف قربانی می‌شوند و دو ملت قربانی جنگ‌طلبی و جنگ‌افروزی یک دنیای می‌شوند.

■ **دیگر به چه چیز داستان جذاب بود؟**

همین که همه داستان توی یک اتوبوس اتفاق می‌افتد. به اضافه اینکه ۲۹ تا آدم با چشمپند مشکلی و لباس مهربن توی اتوبوس... گرافیک آن برابم عجیب و غریب و زیبا بود. در طول گسترش فیلمنامه خیلی وقت‌ها همکاران می‌خواستوا داستان را بکشند به محلان. یک روستای ویران که فقط یک سرپاز زخمی دشمن آنجا مانده است. یا یک لنج که گروهی را فراری می‌دهد و من دایم تکرار می‌کردم، فقط اتوبوس و فقط همین سیی و چند نفر. یکبار هم به پهنانه اینکه گازویل اتوبوس تمام شده می‌خواست اتفاقی (قهرمان فیلم) را بفرستد یک جالهای و یک برخورد را به اتفاقاتی که باز من تاکید می‌کردم، فقط اتوبوس و فقط این سیی و چند نفر. به ما چه مربوط که اتوبوس گازویل آن کجا می‌آورد. اصلا اگر تماشاگر از خودش بپرسد این اتوبوس مگر چقدر گازویل دارد که بیشتر از ۲۴ ساعت می‌رود و می‌رود آنجاست که ما بازی را باختیم. فیلم باید آنقدر جذاب باشد که تماشاگر دیگر به گازویل فکر نکند. البته فیلمنامه این جوری نوشتن، (یعنی فیلمنامه‌ای که قصه‌اش دوس، سه خط بیشتر نیست و با جزئیات و تفصیلات می‌شود ۹۰، صد دقیقه) خیلی مشکل‌تر می‌شود. اما اگر خوب ساخته شود ماندگار هم می‌شود، که شد خوشیخانه.

■ **انتکار به داستان‌های شخصیت‌معور علاقه دارید؟ چون**

اتوبوس شب‌باز هم فیلم بسازید.

داستان را شخصیت می‌سازد، فضا و موقعیت را شخصیت می‌سازد. ویژگی‌های یک شخصیت است که همه چیز را می‌سازد.

ادب‌وهنر

تخیل رام‌نشدنی آقای کارگردان

خوبی را برای خوانندگانش فراهم می‌کند، وقتی شنیدم «حسن معجونی» براساس این مجموعه داستان‌ها در حال طراحی یک تئاتر است، مطمئن بودم که این شور کودکانه در نمایشش به وفور یافت خواهد شد و منتظر بودم تا بالاخره نتیجه نهایی کار را تماشا کنم. با تماشای «مترسگ» دیدم که تا چه اندازه آلمان‌های مختلف نظیر موزیک درخشان کار، صداگذاری، طراحی دکور خیلی خیلی خوب و هوشمندانه و همین‌طور طراحی لباس‌ها، کارگردانی و بازی‌های فوق‌العاده دست به دست هم دادند تا تماشاگر با یک نمایش وقعا قوی و البته با تخیل ناب کودکانه مواجه شود. نمایشی که هم

کودکان و نوجوانان از تماشای آن لذت خواهند برد و هم والدینی که کنار دستشان نشستند. تخیلی رام‌نشدنی و وحشی، بدن‌های واقعا آماده و پرقدتر بازیگران این نمایش و همین‌طور میزانشن‌ها و دیالوگ‌های بسیار شیرین همگی در خدمت ارایه تفکر ناب کارگردان قرار گرفته‌اند و از همه امکانات به خوبی استفاده شده تا روایی کودکان روی صحنه پدیدار شود. همه اینها نشات‌گرفته از ذهن هوشمند و عجیب کارگردان یعنی آقای معجونی است که روح این قصه‌ها را به خوبی درک کرده‌اند. همین‌طور بازیگران این کار به خوبی توانسته‌اند با ایزراه‌های انسانی شخصیت‌های حیوان‌ها را اجرا کنند.

کودکان و نوجوانان از تماشای آن لذت خواهند برد و هم والدینی که کنار دستشان نشستند. تخیلی رام‌نشدنی و وحشی، بدن‌های واقعا آماده و پرقدتر بازیگران این نمایش و همین‌طور میزانشن‌ها و دیالوگ‌های بسیار شیرین همگی در خدمت ارایه تفکر ناب کارگردان قرار گرفته‌اند و از همه امکانات به خوبی استفاده شده تا روایی کودکان روی صحنه پدیدار شود. همه اینها نشات‌گرفته از ذهن هوشمند و عجیب کارگردان یعنی آقای معجونی است که روح این قصه‌ها را به خوبی درک کرده‌اند. همین‌طور بازیگران این کار به خوبی توانسته‌اند با ایزراه‌های انسانی شخصیت‌های حیوان‌ها را اجرا کنند.

کودکان و نوجوانان از تماشای آن لذت خواهند برد و هم والدینی که کنار دستشان نشستند. تخیلی رام‌نشدنی و وحشی، بدن‌های واقعا آماده و پرقدتر بازیگران این نمایش و همین‌طور میزانشن‌ها و دیالوگ‌های بسیار شیرین همگی در خدمت ارایه تفکر ناب کارگردان قرار گرفته‌اند و از همه امکانات به خوبی استفاده شده تا روایی کودکان روی صحنه پدیدار شود. همه اینها نشات‌گرفته از ذهن هوشمند و عجیب کارگردان یعنی آقای معجونی است که روح این قصه‌ها را به خوبی درک کرده‌اند. همین‌طور بازیگران این کار به خوبی توانسته‌اند با ایزراه‌های انسانی شخصیت‌های حیوان‌ها را اجرا کنند.

میلان، میزبان شاهکارهای صفویه شد

از نقاشی‌های مینیاتور، فرش، پارچه و اشیای فلزی و منقوش گرفته تا اشیایی سفالی، سرامیک‌های زیبا و مهم‌تر از آن هنر کتاب‌آرایی که نمونه‌های درخشان آن در این نمایشگاه عرضه شده است. شماری از مهم‌ترین نسخه‌های خطی آن دوران هم در بخش دیگری از این نمایشگاه ارایه شده‌اند که مخاطب را با رزایای تازه‌ای از هنر این دوره آشنا می‌کنند. برگ‌هایی از شاهنامه شاه تهماسب به همراه ورق‌هایی از خسمه نظامی از شاهکارهای قابل توجه این نمایشگاه است. نمایشگاه «در جست‌وجوی بهشت...» تاریخی هشت ساله دارد؛ از آن رو که اول

نیویورک و سپس از ۴ مارس تا ۲۷ ژوئن ۲۰۰۴ به طور همزمان در دو موزه «پولدی پزولی» و «پلاتزو رئال» شهر میلان به نمایش گذاشته شد. نمایش اخیر این آثار در میلان، حاصل تفاهم‌نامه‌ای است که بین مسوولان انجمن آسیایی نیویورک و مدیران موزه «پولدی پزولی» برای برپایی این نمایشگاه در شمال ایتالیا انجام شده

نیویورک و سپس از ۴ مارس تا ۲۷ ژوئن ۲۰۰۴ به طور همزمان در دو موزه «پولدی پزولی» و «پلاتزو رئال» شهر میلان به نمایش گذاشته شد. نمایش اخیر این آثار در میلان، حاصل تفاهم‌نامه‌ای است که بین مسوولان انجمن آسیایی نیویورک و مدیران موزه «پولدی پزولی» برای برپایی این نمایشگاه در شمال ایتالیا انجام شده

نیویورک و سپس از ۴ مارس تا ۲۷ ژوئن ۲۰۰۴ به طور همزمان در دو موزه «پولدی پزولی» و «پلاتزو رئال» شهر میلان به نمایش گذاشته شد. نمایش اخیر این آثار در میلان، حاصل تفاهم‌نامه‌ای است که بین مسوولان انجمن آسیایی نیویورک و مدیران موزه «پولدی پزولی» برای برپایی این نمایشگاه در شمال ایتالیا انجام شده

نمایش ۱۵ اثر از «مارکز»

به مناسبت سی‌امین سال اعطای جایزه نوبل ادبیات به «گابریل گارسیا مارکز»، مجموعه‌ای شامل ۱۵ اثر مهم این داستان‌نویس مطرح که این اواخر هم به خاطر انتشار اخبار مختلف درباره سلامتی‌اش بحث‌برانگیز شد، امروز (شنبه، ۱۰ مردامه‌ا) در دسترس علاقه‌مندان او قرار می‌گیرد.

مثلا «هوتن شکبیا» برای ایفای نقش «هنک» که همان سنگ مزعه‌ا است، به هیچ‌وجه تلاش نمی‌کند تا با رفتارهای متداول و کلیشه‌ای سنگ، نقشش را تفهیم کند بلکه با انتخاب نمونه‌های انسانی این رفتارها، شخصیت این سنگ را به نمایش می‌گذارد. در مجموع اجرای این نمایش برای مخاطب کم‌رق و خسته امروز، اتفاق بسیار خوشایندیی است و ای کاش در لابی تالار حافظ مجموعه داستان‌های «هنک» هم در دسترس بود تا اگر کسی نمایش را پسندید، بتواند کتاب‌هایش را هم همان‌جا بخرد. بلکه بتوانیم در زمان‌های طولانی‌ای که به راحتی از ما تلف می‌شود مثل ترافیک یا صف‌های مختلفی که این روزها طولانی‌ترینش صف مرغ است، این داستان‌ها را بخوانیم و لاقال با قهرمان داستان یعنی «هنک» برای هدف مشترک «در پی مرغ‌بودن» هذات‌پنداری کنیم.

است. برپاکنندگان این نمایشگاه معتقدند، دربار صفوی به ظهور و پرورش هنرمندان و آثار هنری ناب و درخشان کمک کرد و مهم‌ترین و تاثیرگذارترین آثار هنری ایرانی در این دوره خلق شدند. در حالی که مینیاتورهای این دوره از شهرت جهانی برخوردارند، اما توجه کمی به زبان زیبایی‌شناختی تطبیق‌پذیر این دوره در رسانه‌های هنری دیگر شده است. آنها در مورد دلیل برگزاری این نمایشگاه در موقعیت کنونی، می‌گویند: «در حالی که توجه جهانی به مسایل ژئوپلیتیک و سیاسی منطقه معطوف شده است، تاکید بر میراث فرهنگی و هنری نظیرفیلم ایران با برگزاری چنین نمایشگاه‌ها و برنامه‌هایی از اهمیت بسیار برخوردار است.» یکی از برپاکنندگان این نمایشگاه، دکتر شیدا کنبی، مدیر و موزه‌دار بخش شرق باستان موزه بریتانیاست. کنبی حدود ۳۰ سال مطالعه می‌کند در هنر ایران و به خصوص هنر دوره صفویه است. او در این زمینه کتاب‌های متعددی نوشته است که می‌توان از میان آنها به «عصر طلایی هنر ایرانی، از ۱۵۰۱ تا ۱۷۳۲» که در سال ۱۹۹۹ به چاپ رسیده است یا «هنر و معماری صفویه» که در سال ۲۰۰۲ میلادی چاپ شده، اشاره کرد.

استقبال از موزه معصومیت

ایسنا: «موزه معصومیت» اورهان پاموک نویسنده مطرح برنده «ایمپک دولین» از ماه آوریل تاکنون میزبان ۱۱ هزار بازدیدکننده بوده است. به گزارش روزنامه زمان، ۲۸۰۰ بازدیدکننده از این جمعیت از کشورهای خارجی به تماشای موزه پاموک آمده بودند.

بودم، من و آقا فقط. وقتی به «مصیبت» رسید یک دل سیر گریه کردم. «سلام‌ها» را که گفت و روضه تمام شد دیدم آقا با تعجب نگاه می‌کند. تعجب هم داشت، فقط ۱۲ سال داشتم. کدام بچه ۱۲ ساله‌ای روضه این‌طور گریه می‌کند؟ موقع رفتن، اقا مهربانه دست کشید بر سرم. با چشم‌هایی که هنوز خیس بود ممتسانه نگاهش کردم و با صدایی که به سختی درمی‌آمد، گفتم: «برایم دعا کنید» از، هر درستی می‌گویی، در همین خانواده پرجمعیت باز تنها بودم، گوشه‌ای می‌نشستم، درس می‌خواندم، کتاب و مجله می‌خواندم یا نقاشی می‌کشیدم. پدر و مادرم می‌گفتند که من بی‌آزارترین فرزند خانواده بودام. عیش هم این بود که هیچ‌وقت حرفی نمی‌زدم. اعتراضی نمی‌کردم. نه با کسی کاری داشتم، نه کسی با من کاری داشت. از زیر کارهای خانه هم شانه خالی نمی‌کردم. هر کاری را هم با میل و رغبت انجام می‌دادم. نمی‌دانم یادای این ناشی از مهرطبیی من بود و شاید هم از ترس، از توبیخ و تنبیه.

■ **هنوز هم ترسید؟**

اسباب آدم ترسویمی هستم. ترس‌های زیادی در وجودم هست ولی نه در حد بیمارگونه که مانع زندگی طبیعی‌ام بشود. مثلا از ارتفاع و کوه می‌ترسم. جوانی‌ام خیلی کوه می‌رفتم تا ترسم بریزد. با گروه که می‌رفتم، سخت‌ترین راه‌ها را انتخاب می‌کردم که ترسم از بین برود. ولی ترسم نریخت که نریخت.

■ **پس چرا پدر اتوبوس شب، عیسی اینفکدر شجاع است؟**

هر ویژگی را که به شخصیت‌هایمان می‌دهیم الزاما به این دلیل نیست که خودمان هم صاحب آن ویژگی‌ها هستیم. گاهی کلاز برعکس است. ویژگی‌هایی که نداریم و آرزویش را داریم که داشته باشیم به شخصیت‌هایمان می‌دهیم. خیلی وقت‌ها کمبودهایمان را به شخصیت می‌دهیم. و این نوعی جبران است.

■ **چقدر به نقش دیالوگ در داستان اهمیت می‌دهید؟**

وقتی فیلمنامه می‌نویسم، خیلی دلم می‌خواهد با حداقل دیالوگ باشد. یادم هست ازسلان ساسانی فیلمی ساخته بود به اسم «برچین». این فیلم اصلا دیالوگ نداشت. آن را خیلی دوست داشتم. دلم می‌خواهد فیلم‌هایم بدون دیالوگ باشد یا بغدتر از دیالوگ استفاده کنم. اما واقعا شنیدن نیست. دیالوگ و دیالوگ‌نویسی را هم دوست دارم. وقتی نسبت به لهنجه‌ها آنقدر شیفتگی دارم چطور می‌توانم از دیالوگ برهنیز کنم. به هر حال دیالوگ هم جزئی تفکیک‌ناپذیر از زندگی است. به‌خصوص ما ایرانی‌ها که دیالوگ‌هایمان سرشار از شاعرانه‌گی، ایهام، ایهام می‌گفت و اینها باید اینجا بمانم، باید خاتمام را پس بگیرم. مگر واقعا بچه‌های ما نم‌انندند که خانه‌شان را پس بگیرند. کشورشان را پس بگیرند. مانندند، اسیر شدند، کشته شدند، زخمی شدند، شیمیایی شدند. چه اشکالی دارد که درفش را هم بزنیم. باز می‌گویم واقعا دلم می‌خواهد کارهایم کم‌دیالوگ باشد اما نمی‌شود. خود به خود بریدیالوگ می‌شود. من به دیالوگ‌نویسی علاقه دارم. هرچه باشد من از دنیای نوشتن و قصه و رمان به سینما می‌آیم از جهان واژه.

■ **راستی سرنوشت «لنچره» چه شد؟**

اگر فرصت شد بعدا می‌گویم. این به آن را

■ **پس اگر اجازه بدهید امیر جدیدی چند تا عکس برای مصاحبه‌بگیرد.**

باشد بگذارید موهام را آب و شانه بزنم.

یاد

درگذشت «کریس مارکر»

پایان بدون آفتاب

فیلمساز خستگی‌ناپذیر



ساسان گلفر

■ مدیر جشنواره کن -ژیل ژاکوب- پس از شنیدن خبر درگذشت کریس مارکر با این عنوان از او یاد کرد: «فیلمساز خستگی‌ناپذیر» لقبی برازنده برای فیلمسازی که بیش از شش دهه در زمینه فیلمسازی فعال بود و در سال‌های پایانی زندگی نیز حاضر نشد دوریسن خود را ترک کند. کریس مارکر که جبر درگذشت او در سن ۹۱ سالگی روز دوشنبه در پاریس از سوی وزارت فرهنگ فرانسه اعلام شد، البته فقط فیلمساز نبود او علاوه بر کارگردانی آثار

تجربی سینمایی و به‌ویژه مستندهای سینمایی مشهورش، در چندین رشته هنری دیگر و در حوزه‌هایی مانند عکاسی، فیلمبرداری، شعر و ادبیات و نقد سینمایی نیز آثار با ارزشی از خود به جا گذاشت. مارکر همچنین یک فعال سیاسی بود و به‌ویژه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و با ایزر، عقاید چپگرایانه و مخالفت با جنگ ویتنام شهری به هم زده بود. نام واقعی او کریستین فرانسوا بوش ویله نوو بود؛ متولد ۲۹ ژوئیه ۱۹۲۱ در نوبی‌سورس در حومه پاریس، گرچه خود وی مدعی بود که در اولان باتور مغولستان به دنیا آمده است. پیش از جنگ جهانی دوم به تحصیل در رشته فلسفه پرداخت. در دهه ۱۹۴۰ چند اثر ادبی از جمله یک رمان منتشر کرد و در زمان جنگ به گروه مقاومت ضداشاگران نازی پیوست. گفته شده که وی در مقطعی از جنگ از فرانسه خارج و برای مبارزه با آلمانی‌ها به نیروهای چتربار آمریکایی ملحق شد؛ گرچه خودش این داستان را تایید نکرده است. اولین تجربه جدی فیلمسازی او «العبیا ۵۲» مستندی درباره بازی‌های المپیک ۶۰سال پیش هلسنکی بود. در سال ۱۹۵۳ مستند «جسمه‌های نیم‌گرفته» را ساخت که جایزه ژان ونگو را برد اما به مدت ۱۰ سال نمایش آن ممنوع بود. یکی از مشهورترین آثار او «سکله» که در سال ۱۹۶۲ ساخته شد، فیلم تجربی ۲۸ دقیقه‌ای سیاه و سفیدی بود درباره سفر در زمان و بازگشت به گذشته برای نجات آینده که از آن به عنوان مینی فیلم «۱۲ میمون» و بسیاری از آثار علمی-تخیلی سال‌های بعد، به‌ویژه «ترمیناتور» جیمز کامرون یاد می‌شود. آثار مارکر اغلب از راولی اول شخص برخوردار هستند، روشی که خودی وی آن را «شفانه‌ای از توضاع» نام نهاده است. مستند «دور از ویتنام» که مارکر در سال ۱۹۶۷ با همکاری ژان لوک گدار، آلن رنه، بوریس ایوس، آنیس واردا، کلود لولوش و ویلیام کلاین ساخت، به یکی از آثار جنجالی مطرح ضد جنگ بدل شد. مارکر در آن دوران به ایران نیز سفر کرد. وی از دوستان ابراهیم گلستان و فروغ فرخاد بود و مقاله‌ای درباره مرگ فروغ فرخاد و فیلم «خانه سیاه است» نیز نوشت. «هاله مرزبیا»، «بدون آفتاب»، «زن‌بداد و نهنگ»، «آتش زیر خاکستر» (که عنوان آن را به صورت تحت‌اللفظی می‌توان «بیشخند بدون گریه» معنی کرد) و «آ.ک.» (مستندی درباره کوروساوا) از جمله آثار سینمایی پر‌تعداد کریس مارکر هستند.

سخن مسلول

آزادی از سرگروهی حذف شد



■ **شرق:** این روزها هر اتفاق کوچکی در سینما تبدیل به معضل شده است. تاکنون وضعیت اکران فیلم‌ها در عید فطر مشخص نشده است و شورای صنفی نمایش به تصمیمی مشخص درباره این موضوع نرسیده است. حبیب کوش (سخنگوی شورای صنفی نمایش) با اعلام این مطلب افزود: «شورای صنفی نمایش در پایان جلسه اعضا به جمع‌بندی خاصی نرسیدند و شورای نیز متعاقبا تصمیم مشخصی در این مورد نگرفت. همچنان در حال رایزنی و گفت‌وگو هستیم.» اما «سیدضیاهاشمی» رییس شورای صنفی نمایش در گفت‌وگو با فارس درباره فیلم‌هایی که عید فطر اکران می‌شود، گفت: «فیلم «کلاه قرمزی و بچه ننه» در سینماهای بخش خصوصی و سینماهایی غیر از حوزه هنری به نمایش درمی‌آید. ما سه فیلم مناسب برای اکران عید فطر در نظر گرفتیم، فیلم «کلاه قرمزی و بچه ننه»، «ضد گلوله» و «بی‌خداخلافی» را در اکران عید فطر خواهیم داشت.»وی در ادامه به وضعیت سرگروهی سینمای آزادی اشاره کرد و گفت: «سینما آزادی از سرگوهی سینماها حذف شده است و ما تلاش می‌کنیم تا یک سرگروه دیگر جایگزین سینما آزادی کنیم و فیلم چهارم را هم اکران خواهیم کرد.»هاشمی درباره اکران فیلم در سینماهای حوزه هنری توضیح داد: «سینماهای حوزه هنری اگر فیلم آرشی معرفی کردند که حتما حمایت و کمک می‌کنیم تا آن گروه پنجم یا یعنی سینما استقلال اکران شود در غیر این صورت اصراری به تعویض هیچ فیلمی نداریم. مگر اینکه فیلم آرشی اعلام کنند. البته ما سه لیست خوبی از فیلم‌های آرشی آماده کردیم که همه را به حوزه هنری معرفی خواهیم کرد.» هرچند به نظر می‌رسد تنها فیلمی که به صورت قطعی توانسته قراردادش را این روزها با سینما آزادی ببندد، فیلم «پوسیدن ماه» است که با ثبت قرارداد اکران این فیلم سینمایی در گروه سینمایی آزادی، پیش‌فروش‌های بلنیش در سات این سینما از سه‌شنبه نهم مردامه شروع شده است. این فیلم از پنج همراه در سینماها به نمایش عمومی درمی‌آید.